

## یادداشت

**نگاهی به خانه سفیدبرفی گزیده عاشقانه‌های آنا آخماتوا**

## شاعر اشک و آفتاب

**محمدرضا مرزوقی**

*ترک خواهم کرد / خانه سفید برفی ات را، / یاغ خاموش را. / وا خواهم نهاد / زندگی ام را، / تا که باشد / ستروک و پاک ...*

- 

«آنا آندریو تاگورنکو» که بعدها تخلص «آنا آخماتوا» را از نام مادر بزرگ خود گرفت نه تنها در ایران که در جهان هم شاعری است نام آشنا. آخماتوا در حساس‌ترین و تاثیرگذارترین دوره‌های تاریخی روسیه و در عصر تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی جهان و از جمله روسیه زیست و حاصل این زندگی که گاه خالی از مشقت و ترس و دلهره بر او و امثال او نمی گذشت اشعاری است که در جهان ادبیات اغلب از ماندگاری بی نظیری برخوردارند و با اقبال خاص و عام هر دو مواجه شده‌اند. باز هم این سؤال مطرح می شود که آیا برای خلق آثار ماندگار باید رنج کشید؟ و این رنج هر چه عمیق تر و زخم‌های به جا مانده از آن هر چه جریح‌تر باشد پس اثر از مانایی بیشتری برخوردار خواهد بود؟ چرا لحظات شاد و نشاط آور در ادبیات ناب و به اصطلاح جدی کمتر یافت می شود. «وولف» در یادداشت‌های روزانه‌اش جایی چنین می نویسد؛ البته به نقل از مضمون «بخش زیادی از ادبیات در رنج‌ها و غصه‌های ما انباشته است، پس ادبیات کامل نیست. »

باری «خانه سفید برفی» مجموعه‌ای از عاشقانه‌های «آخماتوا» است که شامل اشعار تغزلی سراسر زندگی اش می شود. او اگرچه در سال‌های جنگ جهانی دوم و به طور مشخص از سال ۱۹۴۴– ۱۹۴۱ در بیمارستان ارتش برای مجروحان جنگی شعر می خوانده (کاری که بسیاری از شاعران اتحاد جماهیر شوروی می کردند) ولی همزمان با آن اشعار سلحشوانه و ایدئولوژیک گاه به خانه قلب خود رجوع می کرده و برای دل خودش هم شعرهای می گفته است و البته که شاعری با قلبی زنده و سرشار چون او در تمام عمر می توانست از عشق بگوید. زیرا که لازمه شاعر، عاشق بودن در سراسر زندگی است و با نگاهی عاشقانه به جهان و هستی نگریستن. آوردن دو نمونه از اشعار وی در اینجا خود می تواند گواه بر این مدعا باشد:

. . . تا انتهای کوزه / دیوانه وار، آسمیه سر. / فریاد برکشیدم: / شوخی بود، آنچه گفتم: / ترکم مکن، ورنه می میرم. / اما، او / نقش بر پست بر لپانش /- / لیخندی: / هراس انگیز، / سخت سرد. / مرا گفت / هرگز در یاد نایست.

و در شعر دیگری که نامش هست «به یاد سرژ نو سکایا» چنین آرده:

چندان هم ساده نبوده است، / با من بوده‌ای تو / همواره / زیر آن خطوط مقدس. / . . . دیچه‌گرگون گشته اند چیزها / با این همه / با من بوده‌ای، / تو همواره، / درون صدام، / تو همان نیمه ای قلبم بودی / که چراغ چیزها را می دانست، / پاره‌ای پنبادی شان.

شاعر می تواند یک عمر عاشق باشد و از عشق بسراید. گریم که بر او جنگ‌ها گذشته باشد، ادبیا به تجربه کرده باشد و تهدیدات دیده شکنجه‌ها و تهدیدات دیده شنیده باشد و آماج انواع و اقسام تهدت‌ها و نارواها قرار گرفته‌باشد. اما همچنان از عشق بگوید و با آن آتش یکشد. همچون «آنا آخماتوا» که یک وقتی «ژدانف» وزیر فرهنگ استالین او را نیمه‌راهب، نیمه . . . نامید بزرگترین اهانت به تمام دوران زندگی اش که در روزنامه‌های دولتی همان دوره تکثیر شد. هرچند در دوره «خروشیف» پس از آن همه خفقان و خونریزی از او اعاده حیثیت شد و حتی اجازه دادند مجموعه‌ای از اشعارش منتشر و از کشور خارج شود اما آنچه نباید، شده بود و شاعر سخت‌ترین تجربیات حیاطش را دیگر از سر گذرانده بود.

«آخماتوا» در سال ۱۸۸۹ متولد شد و سال ۱۹۶۶ در سن هفتادوهفت سالگی زندگی را بدرود گفت. سال‌های جوانی زندگی او مصادف بود با سال‌های طلایی پاریس. در همین دوران است که با شوهرش «گومبلیف» که خود شاعری انقلابی محسوب می‌شد به پاریس رفت و در آنجا با نقاش معروف «اماندو مودیلیانی» است که پرتوهای هم از «آخماتوا» کشید. در سال ۱۹۱۷ با شروع جنگ جهانی اول همراه سربازان به جبهه‌های جنگ پیوست بعد از جنگ از شوهرش جدا شد و سه سال بعد از این جدایی در سال ۱۹۲۱ «گومبلیف» به جرم توطئه علیه انقلاب دستگیر و سپس اعدام شد؛ پس از این حادثه زندگی آخماتوا در تاریکی صرف بود رفت و سختی و مرارت یکی پس از دیگری از راه می رسید.

در سال ۱۹۳۳ تنها پسرش به دلایلی واهی دستگیر و روانه زندان شد و در سال ۱۹۴۹ در زندان به سر برد: و می بردت کشان کشان / با دست‌های بسته، / در پات، من / با دست‌های دعا . . .

دوران سخت زندگی شاعر را، که کوتاه‌زمان می‌باشد، به خوبی می توان از لابه لای مطلق دوران شعرش احساس کرد. هر چند سال‌های آغازین زندگی اش در سرخوشی و جهانگردی و البته ایدئالیسم انقلابی به سر شد و به خویی شور و نشاط زندگی اینچنین را در اشعارش منعکس کرده است. عاشقانه‌های آن دوران از عشق می گویند و نهایتاً حیرانی از پی جغای معشوق، اما آن دسته از اشعار تغزلی اش که به سال‌های میانی و انتهایی حیاطش مربوط می‌شوند نه صرفاً مشق به فرد و معشوق خاص که عشق به مردمی است که شاعر رنج‌هایشان را می‌بیند و در سختی‌ها و مرارت‌ها با آنها شریک است. تضاد در زندگی دوگانه شاعری که خاطرات سال‌های کودکی و نوجوانی اش به یادش می‌رسد و سراسر «اروسا» در کنار پیستار و خدمه محدود می‌شود و سپس وارد زندگی انقلابی و در پس آن گریه و بند بی‌چون و چر او خارج از مطلق دوران سیاه‌انستالین می‌شود باعث شده اشعارش در کنار غنای ناب شاعرانه از دگردیسی و تنوعی تاب‌پهونده‌شوند و با هرگونه مخاطبی ارتباطی درخور برقرار کنند. می‌گویند چاپ کتاب‌ها و اشعار وی در کنار آثاری که در ایران نوشته شده، در دو کشور انگلیس و فرانسه، خود یک کتابخانه کامل می‌شود و این نشان می‌دهد که در جهان شعر معاصر آخماتوا از چه اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است.

«آخماتوا» را پیش از آن در ایران ترجمه‌های عبدالعلی دستغیب و احمد پوری می‌شناختم و اخانه سفیدبرفی» که آخرین اثر منتشر شده از وی در ایران است توسط «اسعدوشیرینچه» و «فریم کمالی» ترجمه شده است. «آنا آخماتوا» در جایی گفته است: دربراه خورشید منم، و در دو کشور انگلیس و فرانسه، خود یک کتابخانه کامل می‌شود و این نشان می‌دهد که در جهان شعر معاصر آخماتوا از چه اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. «آخماتوا» را پیش از آن در ایران ترجمه‌های عبدالعلی دستغیب و احمد پوری می‌شناختم و «خانه سفیدبرفی» که آخرین اثر منتشر شده از وی در ایران است توسط «اسعدوشیرینچه» و «فریم کمالی» ترجمه شده است. «آنا آخماتوا» در جایی گفته است: دربراه خورشید منم، و در دو کشور انگلیس و فرانسه، خود یک کتابخانه کامل می‌شود و این نشان می‌دهد که در جهان شعر معاصر آخماتوا از چه اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است.

قسمت نخست این گفت و گو روز گذشته منتشر شد

اینک بخش پایانی آن را می‌خوانید .

- 

■ در این چند ماه انجمن چه کرده؟ رکود مجوز دادن به کتاب‌ها، جلوگیری از پخش صدها کتاب که چاپ شده و در انبار باقی مانده‌اند و مسائلی از این قبیل چند ماهی است جامعه ادبی ایران را نگران و عصبی کرده است. چرا انجمن قلم برخورد قاطعی نمی‌کند؟

انجمن قلم در ریزینی‌هایی که خارج از محافل عمومی داشته، به شدت پیگیر این قضیه است. به نظر ما تغییر مکانیسم های ممیزی به هیچ وجه نباید موجب کندی چرخش صنعت نشر شود. بزرگ ترین مشکل اداره ممیزی ارشاد کندی چرخش صنعت نشر است. این نیست که برخی کتاب‌ها رد شده باشند یا قرار باشد خمیر شوند. به هر حال ما با این کندی مخالف هستیم. به نظر ما اگر می‌خواهند کتاب‌هایی را که قبلاً مجوز داده شده است، دوباره بررسی کنند (این اقدام غیرقانونی نیست) باید به نحوی باشد که این چرخه را کند نکنند. احساس من این است که پله امروز وزارت ارشاد در بررسی کتب کند عمل می‌کند و این کندی باعث بسیاری از نگرانی‌ها شده ولی شاید برخی از این نگرانی‌ها در دوره‌ای حل شود. اما ما در ریزینی‌های پشت پرده‌مان خواسته ایم در اعلام ممیزی‌ها شفاف‌ باشند، چیزی که متأسفانه هنوز انجام نمی‌شده و معمولاً در یک کاغذ بدون عنوان، با مدام، بدون مهر، امضا و نام برس می‌نوشته‌ند که این قسمت‌ها مشکل دارد. این کار یک رفتار غیرانسانی و توهین‌آمیز است و باید حل شود. خیلی خوب است اداره کتاب یک سخنگو داشته باشد، چون اینها مشغول کاری‌اند که نیاز به پاسخگویی دارد و خیلی از آن مشکلات باید با ریزینی با مجامع صنفی حل شود. در عین حال ارشاد می‌تواند با یک اقدام مبتکرانه بخشی از ممیزی را به ناشران واگذار کند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، بخشی از حرف و حدیث‌ها حذف خواهد شد.

■ الان حدود سانسور در ایران مشخص نیست، قضیه سلبیته‌ای بودن واقعا آزردهنده شده است. این مسئله در تمام دولت‌ها هم وجود داشته است، مثلاً این روزها کتابی منتشر شده که در دوره آقای مهاجرانی مجوز نگرفته است! بعد در مقابل آثاری دچار ممیزی شده‌اند که به نسبت آن کتاب هیچ چیزی ندارند. چه اتفاقی در ارشاد افتاده است؟ شما تحلیل‌تان از این قضیه چیست، آیا می‌توانید قول دهید این مشکل موقتی و فقط به خاطر جابه‌جایی مدیران است؟

هر اثر هنری‌ای از سه بخش برای داوری تشکیل شد: یکی زمان قیل از نگارش است که آن به نیت مولف بازمی‌گردد. این نیت یا خیر است یا شر. ولی ما نه در ارشاد و نه در هیچ ارگان دیگری چشم به نیت نداریم. این امری خیلی جدی است و نمی‌توانیم بگوییم فلان نویسنده به خاطر کاری که کرده نیت سوء دارد. دوم مسئله خود اثر است. هر اثری در جهان واقع یا صادق است یا کاذب. نکته مهم دیگر، تبعات هر اثر است یا این تبعات مثبت هستند یا منفی. در ممیزی کتاب‌نه با نیت نویسنده کار داریم و نه با این که این اثر صادق است یا کاذب. ولی تبعات چاپ یک کتاب در ممیزی مهم است. مثلاً می‌گویند، نباید با قوانین اسلامی تعارض داشته باشد ولی من از شما می‌پرسم، این همه کتاب دربارهٔ پوشش منتشر می‌شود آیا معارض با اسلام نیست، چرا هست. آیا این کتاب نباید اجازه انتشار بگیرد، حتماً باید بگیرد. در چه موردی جریانی در ترویج بودیسم به وجود آمده است. ولی من این است، می‌گویم وقتی درباره تبعات سخن می‌گوییم درباره یک جریانی یا جریانی‌های در میان مردم نظر می‌دهیم. پس ممیز باید آدم خیلی برجسته‌ای باشد. او باید بفهمد این اثر در میان مردم چه واکنش و جریانی به‌وجود می‌آورد. پس ما دچار ضعف قانون نیستیم. ولی نوع نگاه امروز متأسفانه بیشتر درباره خود کتاب است و نه تبعات آن. من کتابی داشتم که گفته‌اند فلان جمله‌ات مخالف صحبت‌های فلان مقام مملکتی است خوب یا تغییر این جمله کتاب عوض می‌شود؟ معلوم است که نه. آیا با خواندن این جمله مردم مشکل پیدا می‌کنند؟ من همان‌جا به ممیز گفتم اگر واقعاً این طور فکر می‌کنی من این جمله را برعکس می‌کنم که تمام جوانان به راه راست هدایت شوند! پس روشن است چنین اتفاقی نمی‌افتد بعضی وقت‌ها میزبان ما نسبت به جریانی که یک کتاب می‌تواند در افکار عمومی داشته باشد متوجه هستند. یعنی جرای می‌کنند یک داستان کوتاه می‌تواند داعیه‌دار یک خیال‌برانداز باشد، ما در این کشور جریانی‌ها برانداز زیادی چه در سال‌های دور و چه در سال‌های نزدیک داشته‌ایم ولی در هیچ کدام از این جریانی‌ها ادبیات در صاف اول نبوده است. در عین حال معتقدم دو چیز در ادبیات باید مورد دقت قرار گیرد؛ یکی مسئله اخلاق است مسئلئانی که می‌معنا می‌توانند در سنین نوجوانی محرک باشند و مسائلی که یک نوع اخلاق سرد را – از اخلاق به معنای انسانی کلمه– ترویج می‌کنند. دوم هم مطالب موهن باید مورد دقت قرار گیرند. از چیزی که باعث توهین شود باید جلوگیری کرد. ما در سیرم اسلامی شاعری داریم که همچو گفت و حکم‌اش اعلام بود و در عین حال عالمی که کفر می‌گفت و می‌نشنندند با او مباحثه می‌کردند و خیلی از مسائل توحیدی‌ما از دل همین مباحثه‌ها بیرون می‌آمدند. پس مطلب توهین‌آمیز نباید اجازه نشر پیدا کند ولی هر چیز دیگری می‌تواند آثار نشر دریا داشته باشد. به هر حال من در سطح ریزینی‌هایی که انجمن قلم با وزارت ارشاد انجام می‌دهد فکر می‌کنم اوضاع بهتر خواهد شد.

**برخی چهره‌های تندرو در انجمن قلم عضویت دارند و بارها به اسم انجمن قلم به سایر نویسندگان حمله کرده‌اند. اینان چهره‌ای ترسناک و ناخوشایند از جمع انجمن قلم ارائه داده‌اند. توضیح می‌دهید؟**
اول اینکه انجمن قلم یک مجموعه یک دست نیست، بلکه یک طیف از نویسندگان متعهد به آرمان‌های انقلاب

## ادبیات

**گفت‌وگو با رضا امیرخانی – نویسنده و رئیس انجمن قلم ایران**

# نه مراد داشته‌ام نه مرید می‌خواهم

مهدی یزدانی خرم

Yazdani@sharghnewsaper.com



مهدی یزدانی خرم در حالی که به یادداشت‌های روزانه‌اش نگاه می‌کند

را دربرمی‌گیرد و باید منصفانه گفت که نویسندگانی که کار جدی در حوزه انقلاب، جنگ و . . . انجام داده‌اند، بیشترین دشنام، ناسزا و نقد تند را از پیچه‌های خودی خورده‌اند. غیرخودی‌ها با ما رابطه روشن و تعریف‌شده‌ای دارند همان رابطه‌ای که از قدیم بوده یعنی نشنیدن و توجه نکردن و بنیبه در گوش کردن! ولی همه ما می‌دانیم که ناسزا گفتن به یک کار باعث اشتها آن می‌شود، اشتیاهی که خیلی از دوستان تندرو ما انجام دادند. خیلی از دوستان ما با نقدهای تندی که بر کتاب‌های اغلب بی‌ارزش ضدآرمان‌های انقلاب نوشتند باعث اشتها آنها شدند. آنها هم باید رفتاری را بی‌می‌گفتند که آنها در پیش گرفته‌اند. به نظر من در عالم ادبیات مهم‌ترین دفاع هم تولید اثر است اگر کسی رمانی نوشت که از نظر تو بد بود، تو رمانی نویسی که از او بهتر باشد. امروز دیگر همه می‌دانند جریانی نقد چس مثبت و چه منفی به این معنی‌ست که این کتاب را بخوانید. اما

متأسفانه در میان اعضای انجمن قلم گروه‌های تندرویی می‌شود آیا معارض با اسلام نیست، چرا هست. آیا این کتاب نباید اجازه انتشار بگیرد، حتماً باید بگیرد. در چه موردی جریانی در ترویج بودیسم به وجود آمده است. ولی من این است، می‌گویم وقتی درباره تبعات سخن می‌گوییم درباره یک جریانی یا جریانی‌های در میان مردم نظر می‌دهیم. پس ممیز باید آدم خیلی برجسته‌ای باشد. او باید بفهمد این اثر در میان مردم چه واکنش و جریانی به‌وجود می‌آورد. پس ما دچار ضعف قانون نیستیم. ولی نوع نگاه امروز متأسفانه بیشتر درباره خود کتاب است و نه تبعات آن. من کتابی داشتم که گفته‌اند فلان جمله‌ات مخالف صحبت‌های فلان مقام مملکتی است خوب یا تغییر این جمله کتاب عوض می‌شود؟ معلوم است که نه. آیا با خواندن این جمله مردم مشکل پیدا می‌کنند؟ من همان‌جا به ممیز گفتم اگر واقعاً این طور فکر می‌کنی من این جمله را برعکس می‌کنم که تمام جوانان به راه راست هدایت شوند! پس روشن است چنین اتفاقی نمی‌افتد بعضی وقت‌ها میزبان ما نسبت به جریانی که یک کتاب می‌تواند در افکار عمومی داشته باشد متوجه هستند. یعنی جرای می‌کنند یک داستان کوتاه می‌تواند داعیه‌دار یک خیال‌برانداز باشد، ما در این کشور جریانی‌ها برانداز زیادی چه در سال‌های دور و چه در سال‌های نزدیک داشته‌ایم ولی در هیچ کدام از این جریانی‌ها ادبیات در صاف اول نبوده است. در عین حال معتقدم دو چیز در ادبیات باید مورد دقت قرار گیرد؛ یکی مسئله اخلاق است مسئلئانی که می‌معنا می‌توانند در سنین نوجوانی محرک باشند و مسائلی که یک نوع اخلاق سرد را – از اخلاق به معنای انسانی کلمه– ترویج می‌کنند. دوم هم مطالب موهن باید مورد دقت قرار گیرند. از چیزی که باعث توهین شود باید جلوگیری کرد. ما در سیرم اسلامی شاعری داریم که همچو گفت و حکم‌اش اعلام بود و در عین حال عالمی که کفر می‌گفت و می‌نشنندند با او مباحثه می‌کردند و خیلی از مسائل توحیدی‌ما از دل همین مباحثه‌ها بیرون می‌آمدند. پس مطلب توهین‌آمیز نباید اجازه نشر پیدا کند ولی هر چیز دیگری می‌تواند آثار نشر دریا داشته باشد. به هر حال من در سطح ریزینی‌هایی که انجمن قلم با وزارت ارشاد انجام می‌دهد فکر می‌کنم اوضاع بهتر خواهد شد.

خود من از کسانی هستم که گرفتار این جریان بوده‌ام.

خوبی چیزها درباره ما گفتند که در یک کتاب با مجوز ارشاد آقای مهاجرانی چاپ شد. چیزهایی مانند این که فلانی مبلغ است و حکم میدان مشخص است. هنوز بعضی از ترکش‌های این جریان در برخی از نشریاتی که منتشر شده بود، پس رفتم میدان انقلاب و به یکی از متولیان هیچ واکنشی نشان ندادند.

در تفاوت اهل تصوف و اهل فتنوت می‌گویند اهل تصوف به اشتغال و حرفه بی‌توجه بودند، اما اهل فتنوت در این توجه داشتند. اهل فتنوت در هر صنفی پیری داشتند که به این حرفه اشتغال داشت. انواع توهین‌ها و تهدت‌ها به او می‌شدند و این حرفه را با مشکلات روبرو می‌کردند و خود را از این حرفه‌ای بیرون می‌آمدند. پس مطلب توهین‌آمیز نباید اجازه نشر پیدا کند ولی هر چیز دیگری می‌تواند آثار نشر دریا داشته باشد. به هر حال من در سطح ریزینی‌هایی که انجمن قلم با وزارت ارشاد انجام می‌دهد فکر می‌کنم اوضاع بهتر خواهد شد.

**برخی چهره‌های تندرو در انجمن قلم عضویت دارند و بارها به اسم انجمن قلم به سایر نویسندگان حمله کرده‌اند. اینان چهره‌ای ترسناک و ناخوشایند از جمع انجمن قلم ارائه داده‌اند. توضیح می‌دهید؟**
اول اینکه انجمن قلم یک مجموعه یک دست نیست، بلکه یک طیف از نویسندگان متعهد به آرمان‌های انقلاب

پخش‌های بزرگ گفتم: جناب استاد امیرخانی! یکی از دوستان من هستند و این کتاب را داده‌اند تا شما پخش کنید. کتاب پخش شد. ورود من به ادبیات این طور بوده است. این حرف‌ها درباره هر کسی که کارش با دیگران متفاوت باشد، گفته می‌شود. جواب دادن به این جور شایعات هم بی‌مورد است. بله از فلان جناح به من گفته بودند که این در «من او» از بازار حمایت‌شده، فلان جناح از مولف‌ه از من او حمایت مالی کرده است. من خیلی خوشحال می‌شدم اگر در میان جناح‌های سیاسی‌مان این قدر درک وجود ندارد که از ادبیات حمایت کند. متأسفانه این شعور هیچ وقت وجود نداشته است. من در کل ۸ ساله گذشته نه جایزه‌ای گرفتم و نه یک جلد از کتاب‌هایم توسط دولت خریداری شده، پس چطور می‌گویند از من حمایت‌شده است. اصل این شایعات از آنجا ناشی می‌شود که در حلقه‌های محفلی ادبیات نیاموخته‌ام یعنی نه مراد داشته‌ام و نه مرید می‌خواهم. ذهن‌های تربیت‌شده از جنس مریدی و مرادی به این شایعات دامن می‌زنند.

**شما از تربیت‌شده‌های مدرسه علامه حلی هستید. گفته می‌شود که شما با توجه به تحصیل در این دبیرستان به رهبر فرهنگی یکی جناح خاص تبدیل شده‌اید. در عین حال مدتی را هم در آمریکا گذرانده‌اید. این گذشته از شما چهره‌ای ساخته که به زعم برخی، حرکتی از پیش‌نماین شده برای جایگاه امروزی شما در سن ۳۲ سالگی است؟**
تنها وابستگی‌ای را که در تمام زندگی‌ام قبول خواهم کرد، این است که من جزء نسل تربیت‌شده علامه حلی هستم. این را با افتخار می‌گویم. این دبیرستان جامعه کوچکی از آدم‌ها بود که سعی می‌کردند، خوب فکر کنند. ما در مدرسه‌ای بودیم که هیچ گزینش مذهبی و اخلاقی‌ای در آن نبود. بنابراین تأثیرگذاری در این مدرسه بسیار مشکل بود. آدم‌های بزرگی در آن مدرسه بودند، به طوری که بچه مرشد آنها هم نیستیم! حضور در این مدرسه به من آموخت تأثیرگذاری بر آدم‌هایی که مثل من فکر نمی‌کنند چه کار سخت و در عین حال به درد بخوری است. یکی از این منتقدان روزی گفته بود، تو در ایالات متحده این کارها را کرده‌ای. من به او گفتم، زندگی‌ام در داخل ایران خیلی بدتر از تصور تو از زندگی من در ایالات متحده است. تنها تربیت اصل علامه حلی این است که بچه‌ها را در یک فضای صیل به‌بار نیارود. ما در این مدرسه اجازه دعوا داشتیم. ما هیچ وقت تحت تأثیر هیچ رسانه‌ای نبودیم و یاد گرفته بودیم که معترض باشیم در عین حال به ارزش‌هایی که فکر می‌کردیم جدی است، پایبند بودیم. علامه حلی جایی بود که همه فکر می‌کردند باید محصولات المپيادی و تکنوری داشته باشند. اما واقعیت این است که من بهترین دوره مطالعات ادبی‌ام را در علامه حلی داشتم. ما در آنجا شاهد شب شعری ۱۲ساله بودیم که در فضای خشک علمی مدرسه یک امر تازه‌ای بود. این شب شعر در سال‌های پایانی بیش از سه هزار نفر مخاطب داشت. ما آنجا یاد گرفتیم تا بلند بایستیم و حرف‌مان را بزنیم. بین ورودی علامه حلی که اکثرآ از خانواده‌های غیرمذهبی بودند و خروجی‌ای ما ارتقای مذهبی می‌بینم کاملاً به عکس بسیاری از مدارس مذهبی. پس من وامدار مسیلم.

**هیچ‌گاه مایل نبوده‌اید درباره سفر خود به آمریکا صحبت کنید. این بار خواهم می‌کنم برای شفاف‌شدن و از بین رفتن برخی سوءتفاهم‌ها در این باره توضیح دهید؟**
من دوبار برای سفر به ایالات متحده اقدام کردم. بار اول اواسط دهه ۹۰ میلادی بود. رفتم و آن امتحان‌هایی که باید می‌دادم، دامم. گرفتن ویزا برای سفر مصادف شد با فردای تصویب قانون داماتو و به من ویزا ندادند. این اتفاق بسیار مفیدی بود. اما اتفاق مفیدتر بار دوم بود چون دیگر خط مسیر ادبی پیدا کرده بودم. در سفارت آمریکا از من پرسیدند، چه شغلی داری؟ گفتم: نویسنده‌ام. گفت: با زبان فارسی است و اگر بزرگرم خود را با آن دست می‌دهم. کنسول شنید و گفت: این خدمل را درد بخوری است. کتاب‌من را گرفت و سه روز بعد از من خواست با هم قهوه بخوریم. وقتی برای ملاقات رفتم، مقداری از یکی از رمان‌های من را خوانده بود، اقدامی که هیچ مسئول فرهنگی در ایران انجام ندهاده است. به هر حال صحبت‌مان گل انداخت (روزنامه انتخابیات مجلس بود) گفت: تو در انتخابات شرکت می‌کنی؟ گفتم: اگر در ایران بودم قطعاً شرکت می‌کردم چون این ابزاری برای شرکات در حکومت است. او بعد از صحبت یک ویزای خوب فرهنگی به مدت یک سال و مبلغ قابل تمسید داد. این سفر را به همین راحتی و با هزینه شخصی خود رفتم. در آنجا هم مثل همیشه هیچ انتظاری از دولت نداشتم. سال‌هاست که به ما می‌گویند فلسطینی خانه ندارد، اما واقعیت این است که (با وجود اینکه سفارتخانه‌ها خانه‌های کشورها هستند) ایران در هیچ جای جهان خانه ندارد. یک ماشین به قیمت هزار دلار خریدم و با آن ماشین آمیکا را گفتم.

**راستی چرا از سایت لوح استعفا دادید؟ بعضی‌ها می‌گویند به دلیل گرایش شما در انتخابات ریاست جمهوری بود؟**
خیال می‌کنم بعضی‌ها چیزها نگفتنی باشند و نگفتنی‌ها بهتر است ناگفته‌باقی بمانند. **یکی از آن سئوال‌های آرمانی، فکر می‌کنید آیا روزی توانیم بین نویسندگان متعهد و نویسندگان غیرمتعهد شاهد یک تعامل باشیم. کنونی‌ها می‌گویند ما راه را برای دیالوگ باز گذاشته‌ایم و می‌توانیم با سایر نویسندگان گفت‌وگو کنیم. نظر شما درباره این اتفاق چیست؟**
دقیق‌ترین چیزی که در این مصاحبه به آن اشاره شد، پیمان جوانمردی با حلف الفضول است. پیمانی که قبل از بعثت حضرت محمد(ص) یعنی پیش از دین بوده است. من احساس می‌کنم فقط با پایبندی به این جوانمردی در دو نفری، در هر کجای عالم با هر عقیده‌ای می‌تواند رو به‌روی ما ببینند و نیازهای مشترک خود را با هم در میان بگذارند.

ایسنا : مراسم یکصد و نود و دومین سالروز تولد «تراس شمشکو» – شاعر پرآوازه اوکراینی– در کنار تندیس یادبودی در مرکز کیف برگزار شد. در آن مراسم که این مراسم که پارکی به‌نام این شاعر برگزار شد، سران احزاب مختلف به همراه هواداران خود شرکت کردند و امسال با نزدیک شدن به انتخابات پارلمانی اوکراین، این مراسم بیش از جنبه بزرگداشت می‌شمارد (اوکراینی، به تبلیغات حزبی برای کاندیداهای مختلف پارلمان اوکراین اختصاص داشت. چه چنین رئیس جمهوری اوکراین– ویکتور یوشکو– به همراه نخست‌وزیر این کشور با حضور در کنار این تندیس و با تثار گل، یاد و خاطره این شاعر بزرگ اوکراینی را گرمی‌اندخت. در این مراسم و در جریان دیدار رهبران مختلف احزاب سیاسی این کشور، برخی طرفداران این احزاب نیز به برگزاری‌های لفظی با رقیبان خود پرداختند که در چند مورد، برگزاری فیزیکی انجامید که با دخالت پلیس یکی با دو طرف متفرق شدند.

### بخش پایانی

## خبرها

### صالحی و سپیده دم جهان

ایلنا : «سید علی صالحی» بازسرای مجموعه ۴۰۰ صفحه‌ای «شکرپو بی‌کس»، شاعر نامدار کردستان عراق را به اتمام رساند، این بازسرای اوایل سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات «نگاه» روانه بازار کتاب می‌شود. «سیدعلی صالحی» با بیان مطالب فوق گفت: در ترجمه «سلیمانیه و سپیده‌دم جهان»، «محمدزئوف مرادی» دو تن از دیگر مترجمان کرد با من همکاری کرده‌اند. وی تصریح کرد همچنین اوایل اسفندماه امسال نیز بازسرای شعرهای «محمود درویش»، شاعر بزرگ فلسطینی با عنوان «آخرین آثار» این شعرها، «جاهد جهانشاهی» است و این کتاب با طرح‌های «اردشیر رستمی» همراه است. این کتاب در همین مدت کوتاه نیز با استقبال زیادی روبرو شده است. صالحی در پایان گفت: جلد اول مجموعه شعرهایم، ۸۰ماه پیش توسط انتشارات «نگاه» منتشر شد. در حال حاضر یک‌ماه است که برای اخذ مجوز چاپ دوم به ارشاد رفته است. همچنین جلد دوم این مجموعه نیز در انتظار مجوز است.

- 

### بزرگداشت حکیم عمر خیام در دوحه

مهر : همایش بزرگداشت حکیم عمر خیام‌نیشابوری از سوی ریزینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قطر و با همکاری دانشگاه قطر برگزار می‌شود. موضوعات و عناوین پیشنهادی برای مقالات و سخنرانی‌ها؛ شخصیت و زندگانی حکیم خیام در ایران و در نظر ایرانیان، چهره جهانی خیام (به ویژه در دنیای غرب)، خیام در جهان عرب، خیام شاعر، خیام دانشمند، معرفی و بررسی آثار خیام، ترجمه رباعیات خیام به زبان‌های زنده دنیا، طبقه‌بندی موضوعی رباعیات خیام با تفسیری کوتاه از هرگونه، اندیشه‌های خوش باشی (اپیکورسم) در رباعیات خیام، محورهای اصلی اندیشه‌های خیام در رباعیات، بررسی می و شراب در رباعیات خیام، کتاب‌شناسی رباعیات خیام، خیام از نگاه اندیشمندان و پژوهشگران آناسی جهان، خیام، فیلسوف و حکیم روزگار خود، خیام، ستاره‌شناس و ریاضیدان نامدار روزگار خود، جبر و مقابله خیام در جهان، خیام و مثلث پاسکال، نقش خیام در تدوین تقویم جلالی و نیشابور در گذرگاه تاریخ (با تکیه بر بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیشابور روزگار خیام) تعیین شده است. این گزارش حاکی است مهلت ارسال مقالات تا دوازدهم بهمن‌ماه سال جاری بوده‌است، هماهنگ مذکور با حضور خیام شناسان ایرانی و خارجی و ۲۴ و ۲۵ اسفندماه ۱۳۸۴ (برابر با ۱۵ و ۱۶ مارس ۲۰۰۶ میلادی) در دوحه، دانشگاه قطر، سه‌سالن تکنولوژی آموزشی برگزار خواهد شد.

- 

### داستان‌های اشباح یا ترجمه منصوره شریف‌زاده

ایسنا : منصوره شریف‌زاده در حال نوشتن یک رمان است و ترجمه جلد دوم «داستان‌های اشباح از نویسندگان جهان» در دست‌مشر خواهد شد. این داستان‌نویس که رمانی را به پایان رسانده و در حال بازنویسی آن است، همچنین ترجمه جلد دوم مجموعه «داستان‌های اشباح از نویسندگان جهان» را به پایان رسانده است. جلد اول این اثر توسط انتشارات نگاه سبز منتشر شده بود، اما او هنوز جلد دوم این کتاب را به ناشر نسرده است. «فرهنگ اصطلاحات ادبی» نوشته مارتن گری نیز از شریف‌زاده توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ دو خواهد رسید.

- 

### ثبت نام برای نوزدهمین نمایشگاه کتاب تهران

مهر : ثبت نام از ناشران متقاضی برای حضور در نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در محل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران آغاز شد. ثبت نام از ناشران از ۱۸ اسفندماه آغاز شده است. بر همین اساس ناشران تهرانی با مراجعه به موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران ناشران شهرستانی با مراجعه به ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های خود، می‌توانند پیش از دریافت فرم‌های مربوطه و تکمیل آنها به ثبت نام برای نمایشگاه اقدام کنند. براساس زمان‌بندی اعلام شده، ناشرانی که عنوان آنها (مطلقاً یا نام مندرج در پررانه نشر) با حرف «آ»، «ب»، «ا‌ آغاز می‌شود باید در تاریخ ۲۰ اسفند، ناشران «ا، «ب»، «آ» اسفند، ناشران «تا تا ط» ۲۲، «ص تا ظ» ۲۳ و «م تا ی» ۲۴ اسفند برای ثبت نام مراجعه کنند. ضمن این‌که تاریخ مراجعه ناشران دانشگاهی، آموزشی و کمک آموزشی، کودک و نوجوان و تنجمن‌های خیریه نیز تاریخ ۲۵ اسفندماه اعلام شده است. در برگه شرایط ویژه درخواست تکمیل شده است؛ ناشران سراسر کشور –اعم از خصوصی یا دولتی– که دارای پروانه نشر متعیر در زمان ثبت نام باشند بیش از چهل عنوان کتاب از ابتدای سال ۱۳۸۲ تا پایان سال ۱۳۸۴ در مورد ناشران متقاضی غرفه در سالن ویژه کودکان و نوجوانان، پنجاه عنوان کتاب منتشر کرده‌اند، می‌توانند غرفه مستقل درخواست نمایند. ضمن این‌که ملاک تخصیص غرفه در نمایشگاه، نودم فقط سه سال گذشته ناشر (چاپ اول و تجدید چاپ) براساس اطلاعات موجود در خبانه درخواست خواهد بود. قیمت‌های غرفه برای هر متر مربع بدین شرح است: از ۹ تا ۲۴ متر مربع، هر متر مربع برای ناشران خصوصی ۲۵۰هزار ریال، از ۲۴ تا ۴۸ متر مربع برای ناشران خصوصی ۳۰۰هزار ریال، هر متر مربع برای ناشران دولتی ۴۰۰هزار ریال، از ۴۸ تا ۷۲ متر مربع برای ناشران دولتی ۵۵۰هزار ریال و از ۷۲ تا بالا برای ناشران دولتی ۶۰۰هزار ریال. متقاضیان باید نام پانجاه‌درصد قطعی و قبل از تحویل غرفه پرداخت نمایند. ضمناً ناشران شهرستانی از پنجاه درصد تخفیف برخوردار هستند. گفتنی است؛ موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در نظر دارد نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را از ۱۳ تا ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۵ در محل مصلی امام خمینی(ره) – یا محلی که بعداً اعلام خواهد شد– برگزار نماید.

- 

### بزرگداشت شاعر اوکراینی به درگیری و تبلیغات حزبی تبدیل شد

ایسنا : مراسم یکصد و نود و دومین سالروز تولد «تراس شمشکو» – شاعر پرآوازه اوکراینی– در کنار تندیس یادبودی در مرکز کیف برگزار شد. در آن مراسم که این مراسم که پارکی به‌نام این شاعر برگزار شد، سران احزاب مختلف به همراه هواداران خود شرکت کردند و امسال با نزدیک شدن به انتخابات پارلمانی اوکراین، این مراسم بیش از جنبه بزرگداشت می‌شمارد (اوکراینی، به تبلیغات حزبی برای کاندیداهای مختلف پارلمان اوکراین اختصاص داشت. چه چنین رئیس جمهوری اوکراین– ویکتور یوشکو– به همراه نخست‌وزیر این کشور با حضور در کنار این تندیس و با تثار گل، یاد و خاطره این شاعر بزرگ اوکراینی را گرمی‌اندخت. در این مراسم و در جریان دیدار رهبران مختلف احزاب سیاسی این کشور، برخی طرفداران این احزاب نیز به برگزاری‌های لفظی با رقیبان خود پرداختند که در چند مورد، برگزاری فیزیکی انجامید که با دخالت پلیس یکی با دو طرف متفرق شدند.

### بخش پایانی